



***Adab Al-Rafidayn
Journal***

Refereed Scientific Journal

Issued by

The College of Arts

Issue No : seventy Four

Year: Forty Eight

Mosul

2018A.D. / 1439A.H.

Advisory Board

- Prof. Dr. Wafaa Abdullatif Abdulaali
University of Mosul /Iraq(English Language)
- Prof. Dr. Jumaa H. M. Al-Bayyati
University of Kirkuk /Iraq (Arabic Language)
- Prof. Dr. Qays H. H. Al-Janabi
University of Babylon (History and Civilization)
- Prof. Dr. Hameed Ghafil Al-Hashimi
*International University of Islamic Sciences/ London
(Sociology)*
- Prof. Dr. Rihab Faiz Ahmed Sayd
*University of Beni Suef/ Egypt (Information and
Librarianship)*
- Prof. Khalid Salim Ismail
University of Mosul / Iraq (Iraqi's Ancient Languages)
- Asst. Prof. Dr. Alaauldeen A. Al-Gharrayba
University of Zaytouna/ JORDAN (Linguistics)
- Asst. Prof. Dr. Mustafa A. Doyydar
University of Teeba/ KSA (Islamic History)
- Asst. Prof. Dr. Ruqayya A. Bo-Snan
*University of Prince Abdul-Qadir/ ALGERIA
(Media Sciences)*

The opinions presented in this journal are those of the authors,
and do not necessarily reflect the opinions of the editorial staff
or the policy of the College of Arts

All correspondence to be addressed in the name of the
Editor-in-Chief

College of Arts – University of Mosul – Republic of Iraq

E-mail: adabarafidayn@gmail.com

Adab Al-Rafidayn Journal



A refereed journal concerned with the publishing of
scientific researches in the field of arts and humanities
both in Arabic and English

Vol. Seventy Four

Year: Forty Eight

Editor-in-Chief

Prof. Dr. Shafeeq Ibrahim Salih Al-Jubouri

Secretary

Asst. Prof. Dr. Bashar Akram Jmeel

Editorial Staff

-
- Prof. Dr. Mahmood S. Ismail
 - Prof. Dr. Abdulrahman A. Abdulrahman
 - Prof. Dr. Ali A. Khidher Al-Maamari
 - Prof. Dr. Moaid A. Abd Al-Hasn
 - Prof. Dr. Ahmed I. Khedr Al-Lhebi
 - Prof. Dr. Ziaad k. Mustafa
 - Asst. Prof. Dr. Sultan J. Sultan
 - Asst. Prof. Kutaiba SH. Ahmed

Linguistic Revision and Follow-up

-
- Lect. Dr. Shaibaan A. Ramadaan Al-Shaibani Follow-up Manager
 - Asst. Prof. Osama H. Ibrahim English Reviser
 - Lect. Dr. Khalid H. Edan Arabic Reviser
 - Co-translator Iman J. Ameen Follow-up
 - Co-translator Najlaa A. Hussein Follow-up
 - Co-Programmer Ahmed I. Abdul-Ghani Electronic Publisher
-

CONTENTS

Title	Page
Compensation in the Translation of English Literary Texts into Arabic Zahraa R. Agha Assist. Prof. Dr. Luqman A. Nasser	1 - 32
The Translation of Some English Quantifiers into Arabic Assist. Prof. Osama H. Ibrahim, M.A	33 - 48
Investigating the Mastery of Reduced Clauses by Iraqi EFL Learners at University Level Assist. Lect. Iman Ibrahiqm Khudhair	49 - 74
م. طی حاتم جاسم حکفرمانی در قابوسنامه	75 - 88

حکفرمائی در قابوسنامه

م. طی حاتم جاسم *

تاریخ القبول: ۲۰۱۸/۵/۲۹

تاریخ التقديم: ۲۰۱۸/۶/۲۸

پیشگفتار:

تاریخ اندیشه های سیاسی در ایران از جمله موضوعات بسیار مهم و شایان توجهی است که نیازمند کالبد شکافی و پژوهشهای عمیق بنیادین میباشد. فرهنگ و ادبیات سیاسی ایران علیرغم وجود برخی آموزه های استبدادی، ریا، جاه طلبی و تملق، مشحون از مکارم اخلاقی آموزه های رفیع الهی-معنوی است و ارباب اندیشه و قلم و فرهیختگان بزرگ مسلمان ایرانی، با خلاقیت و نو آوریهای شگرف و درخشان خود نقش به سزایی در حوزه ادبیات و تمدن بشری داشته اند. یکی از حوزه های قابل تامل، حوزه فرهنگ و ادبیات فارسی ایران به ویژه سیاست نامه نویسی است.

یکی از آثار درخشان در حوزه ادبیات سیاسی ایران و سیاست نامه نویسی، قابوسنامه امیر عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس و شمشیر زیاری، از شاهزادگان زیادی آل زیار است، که در سده چهارم و پنجم در گرگان، گیلان، طبرستان و کومش و ری و جبال پادشاهی می کردند.

پژوهش بنده مربوط به حکفرمایی در قابوسنامه امیر عنصر المعالی است و سه مبحث را بخش کردم، نخستین آن راجع به نثر و سبک این قابوسنامه، اما دومین آن مربوط به زندگی نامه مؤلف کتاب، اما آخرین مبحث این بزوهش حکفرمایی طبق اندیشه های مؤلف کتاب اختصاص دادم.

مبحث یکم

تعریف نثر

"نثر در لغت بمعنی پراکندن و تعریف تقریبی آن، سخنی است که در آن، معانی و مفاهیم به روشنی و رسایی و با نظامی منطقی و با پرهیز از بکار برتن وزن عروضی بیان شود و در آن اغلب، وظیفه لفظ، بیان معنی است.

نثر سختی است که در خط مستقیم حرکت دارد و به ویژه در نثر غیر فنی، زبان به تمامی- یا اساسا- در خدمت معنا و مفهومی قرار میگیرد که سخن به خاطر آن پدید آمده است^(۱).

* Dept. of Turkish / College of Arts / University of Mosul .

(۱) فرهنگ نامه ادبی فارسی، اصطلاحات، موضوعات و مضامین ادب فارسی، به سرپرستی حسن انوش، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۳۳۷.

((نثر، در لغت به معنی پراکندن و افشاندن و نیز به معنی افشاندن و پراکنده است؛ و در اصطلاح سخن است مقید به وزن و قافیه نباشد^(۱))).

نثر چون از قید وزن و قافیه و بحور عروض، همچنین در اغلب موارد از تخیلات شاعرانه خالی است، وسعت میدان آن برای بیان هرگونه فکری مناسبت از کلام منظوم است و شاید به همین دلیل باشد که انواع دانشهای بشری و اندیشه های فلسفی، دینی، سیاسی، تربیتی و اجتماعی در قالب نثر اظهار شده و به رشته تحریر در آمده است.

از لحاظ ادبی، نثری ارزشمند و مورد توجه سخن سنجان است که نسبت به سخنان یا نوشته های معمولی زیباتر و از جهت لفظ و معنی فصیح تر و بلیغ تر باشد.

انواع نثر در زبان فارسی

با توجه به شیوه کاربرد و اژگان و نوع ابرازهای بیانی که نویسندگان در نوشتن مطالب خود دارند شاید دقیقتر این باشد که نثر فارسی را به زیر تقسیم کنیم:

نثر مرسل یا ساده

نثری که سجع نداشته باشد و کلمات آن آزاد و خالی از قید خاص باشند. نوشته های معمولی و از جمله کتبی چون سفرنامه ناصر خسرو و کیمیای سعادت و تاریخ بیهقی و اسرار التوحید و تذکره الاولیا همه نثر مرسل اند^(۲).

نثر مرسل یا ساده نوشته ای است که از صنایع لفظی و معنوی و سجع عادی باشد. در این نوع نثر نویسنده مقاصد خود را در کمال سادگی و بی پیرایگی مینویسد و استعمال کلمات و عبارات هماهنگ و واژه ها و اصطلاحات مهجور اجتناب میکند^(۳).

((به هر روی مختصات زینی سبک نثر مرسل را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد: خالی بودن نثر از لغات عربی به جز معدودی از لغات دینی و سیاسی که معادل فارسی نداشت، عدم وجود صنایع لفظی و معنوی، عدم استفاده از آیات و احادیث جهت زینت کلام، تأثیر اندن سبک و سیاق جملات عربی در آثار ترجمه شده، استفاده اندن از اشعار و امثال فارسی و عربی، کوتاهی جملات، تکرار افعال علمی در مقابل عربی))^(۴).

بدین صورت باید بگوئیم که نثر مرسل، نثری است که در آن مفاهیم و معانی با وضوح و به دور از بیچیدگی و لفظ پروازی و با نظم منطقی بیان میشود. در این نوع نثر و اژگان کاملاً به خدمت گرفته میشوند تا معنا را بیان کنند. در نثر مرسل موازین دستوری بکار بستند میشوند و سخن بر خط مستقیم حرکت میکنند. در چنین نثری خواننده متوجه حضور زبان نمیشود و ویژگی با همان تعداد کلماتی بیان میشود که لازم است^(۵).

(۲) گیوی، حسن احمدی: از فن نگارش تا هنر نویسندگی، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۴، چاپخانه مهارت، ص ۲۷۳.

(۳) خطیبی، فن نثر در ادب فارسی، ص ۱۲۱.

(۴) خطیبی، فن نثر در ادب فارسی، ص ۱۲۷.

(۵) بهار، محمد تقی، سبک شناسی، ج ۲، ص ۶۱.

(۶) فرهنگ نامه ادب فارسی؛ دانش نامه ادب فارسی، به سرپرست حسن انوش، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۱، ص ۱۰۳۸.

نثر مصنوع

این خود به دو نوع تقسیم میشود:

نثر مسجع

نثری است که جمله ها و عباراتی قرینه در آن دارای سجع باشند. سجع در نثر به من‌له قافیه در شعر است. سجع نیز خود به سه نوع تقسیم میشود سجع متوازی^(۷). در این نوع از نثر، نویسنده کلمات هموزنی را به نام سجع نظیر قوافی اشعار به کار میبرد و جملات نوشته خویشتن را با قرینه سازی آهنگین میکند. نمونه های زیبایی نثر مسجع را در آثار خواجه (عبد الله انصاری) و کتابهای نظیر، (تفسیر کشف الاسرار) ترجمه ابو سعید ابو الخیر تالیف محمد بن منور، (کليلة و دمنه بهرا شاهی) ترجمه و تحریر لایو المعالی نصر الله بن محمد عبد الحمید منشی، تذکره الاولیا (فرید الین عطار)، (گلستان) شیخ مصلح الدین سعدی و غیره میتوان یافت^(۸). در این دوره سبک نثر فارسی اندک اندک به سعری نثر فنی (دوره غزنوی و سلجوقی اول) گرایش می یابد.

ریشه تحول را باید در عوامل گوناگون سیاسی و اجتماعی، نثر مصنوع متکلف نثری است که ابر یزاز و کار برد ارایه های ادبی است به نحوی که گاه معنا تحت تاثیر لفظ قرار میگیرد. تاریخ جهان گشای جوینی، مقامات حمیدی و حبیب اسیر خواندمیر نمونه هایی از این نوع نثر هستند^(۹).

نثر شکسته یا نگارش به شیوه زبان محاوره

نثر شکسته آن است که نوشتار به زبان محاوره و گفتگوی معمولی مردم و بازار نگاشته میشود و همچنان که کلمات در زبان محاوره عامه مردم مخفقا میگردد و برخی از واژه ها در قیاس با صورت مکتوب آنها شکسته میشود در نگارش این نوع نثر که در دوره معاصر بیشتر در داستان نویسی یا نوشتن موضوعات طنز آمیز به کار میرود نویسنده برای نشان دادن چهره طبیعی و واقعی قهرمانان داستانهای خود که غالباً از میان طبقات عامی و عادی اجتماع انتخاب شوند، عین الفاظ تعبیرات و تکیه کلامهایشان را به لهجه عامیانه در آثار خود می آورد^(۱۰).

مبتکر این نوع از نثر در ادبیات معاصر مرحوم (علامه علی اکبر دهخدا) است که برای اولین بار در مقالات فکاهی و انتقادی خود با عنوان چرند و پرند و به امضای (دخو) در روزنامه صور اسرافیل از تعبیرات عامیانه و واژه های تخفیف یافته و شکسته سود می جوید^(۱۱).

سید محمد علی جمالزاده و صادق هدایت و جلال آل احمد نیز از جمله اولین نویسندگان هستند که اسلوب محاوره نثر شکسته را در نثر داستانی پارسی معاصر متداول میکنند^(۱۲).

(۷) بهار، سبک شناسی، ج ۲، ص ۶۲.

(۸) همان منبع، ص ۶۷.

(۹) بهار، سبک شناسی، ج ۲، ص ۶۹.

(۱۰) شمیسا سبیروس: سبک شناسی، ص ۱۵.

(۱۱) خانلری: هفتا سخن، جلد اول، ص ۶۶.

(۱۲) همان منبع، ص ۶۶.

نثر محاوره نخستین مرحله از مراحل نثر است و بر خلاف نظریه گسستی که اصولاً زبان محاوره را که زبان شفاهی است متمایز از زبان نثر که زبان کتبی و به هر حال تابع قیودی دیگر است و از امکانات و ابراز زبان شفاهی بی بهره می‌شمارند^(۱۳). بدین ترتیب میتوانم بگویم که نثر محاوره نثری است که در آن لفظ یکسره در خدمت رساندن یک پیام قرار دارد.

در این نوع نثر نه نظم موسیقایی و نه سجع به می‌آید و اصولاً چنین نثری هیچگاه حضور زبان به چشم نمی‌آید؛ زیرا زبان صرفاً بیان‌کننده مفهوم و معانی است که گوینده، نویسنده در ذهن دارد.

کلمات نا آشنا و دور از ذهن تقریباً در اینگونه نثر بکار نمی‌آید و قواعد دستور زبان بطور کامل در آن رعایت نمی‌شود زیرا مخاطبان این قبیل متون عوام هستند یا خود نویسنده خواسته است تا به این زبان بنویسد^(۱۴).

مبحث دوم

خانواده و زندگی مؤلف

امیر عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیلر از شاهزادگان خاندان زیاری یا آل زیار است که در قرن چهارم و پنجم در گرگان و گیلان و دیلمسان و طبرستان و کومش وری و جبال شهریاری آن کرده اند، و در زمان قدرت قلمرو ایشان از یک سوی بحر خزر و از سوی دیگر سرحد خراسان و از یکسو همدان و از سوی دیگر اصفهان بود، برادر جد دوم وس (ورداویش بن زیار) در سال ۳۱۵ هـ بر طبرستان و گرگان مسلط شد و ناحیهٔ آمل و ساری و استرآباد را بتصرف خود آورد و سلطتی فراهم ساخت که تا صد و چند سال بعد برای برادر زادگان وی بماند^(۱۵).

کیکاووس عنصر المعالی در سال ۴۱۲ هـ ولادت یافته و تا سال ۴۷۵ هـ که این کتاب را تمام کرده از وی خبر داریم و تورا یک پسر بوده است بنام گیلان شاه که کتاب قابوسنامه را برای او نوشته است. اما تاریخ ۴۶۲ هـ که برای مرگ عنصر المعالی در بعض کتابها نوشته اند خطای محض است و بهیچوجه تردیدی نیست که تا ۴۷۵ یعنی سیزده سال پس از آن هم زیسته است زیرا که در این تاریخ کتاب قابوسنامه را تمام کرده و چون تمام نسخه‌های موجود همین تاریخ را دارد^(۱۶).

نگاهی به کتاب قابوسنامه

قابوسنامه یکی از آثار ارجمند زبان فارسی در قرن پنجم هجری قمری است که عنصر المعالی کیکاوس بن قابوس برای فرزندش گیلان شاه در چهل و چهار باب نوشته است. او خواسته است بدین وسیله تجربیات خویش را در اختیار فرزندش بگذارد و او را راهنمایی کند و مسائل زندگانی و هنرها و پیشه‌های گوناگون آن زمان را بدو بیاموزد تا اگر به امارت نرسد راههای مختلف معیشت را بداند.

(۱۳) خانلری: هفتا سخن، جلد اول، ص ۶۷.

(۱۴) فرهنگنامه ادبی فارسی، دانشنامه ادب فارسی، به سرپرستی حسن انوش، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۱؛ ص ۱۰۳۸.

(۱۵) نفیسی، سعید: قابوسنامه، کتاب فروشی فروغی، چاپ دوم، ص ۲۰.

(۱۶) همان منبع، ص ۲۱.

آغاز نگارش کتاب در ۴۷۵ هجری قمری یعنی در ۶۳ سالگی نویسنده بوده است. گوناگونی موضوع بابهای کتاب نمود از سودمندیهای فراوانی است که از مطالعه آنها بخصوص از نظر تحقیق در اوضاع واحوال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، دینی علمی و ادبی آن معاصر حاصل میشود^(۱۷).

بدین سبب ملک الشعراى بهار آنرا ((مجموعه ی تمدن اسلامی پیش از مغول)) شمرده است. در قابوسنامه از مطالب فراوانی سخن میرود: از شناختن ایزد تعالی، ستایش پیغمبر، حق پدر و مادر، دانش و هنر آموختن، پندهای انوشیروان، پیری و جوانی، طرز غذا خوردن و نوشیدن گرفته تامهای کردن و مهان شدن، مزاج و نرد و شطرنج، عشق و رزیدن، گرمابه رفتن و خفتن و آسودن، نخچیر کردن و چوگان زدن و کارزار کرن، جمع مال و امانت نگاه داشتن، برده خریدن، خانه خریدن، اسب خریدن، زن خواستن، فرزند پروردن، دوست گزیدن، اندیشه کردن از دشمن، تجارت، طب، نجوم، شاعری، خنیاگری، ندیمی، کاتبی، وزیری، سپهسالاری، پادشاهی، دهقانی، جوانمرد، پیشگی و بسیاری کارهای دیگر.

این همه موضوعات گوناگون را نویسنده به نثری روشن و ساده و روان بیان کرد که زیبا نیز هست. همچنین حکایتی که در خلال بابها می آورد بر لطف مباحث آن می افزاید. صمیمیت و صداقت لهجه ی نویسنده اصالتی برجسته و ممتاز به کتاب بخشیده است.

از سوی دیگر، توجه وی به زندگانی عملی و تجارت زندگی سبب شد که هر موضوعی در این کتاب از نظر عمل و واقع بینی مطرح شود، اعتدال فکر، خرد پیشگی، آگاهی از روحيات و طبایع مردم، نکته یابی و نکته بینی نویسنده، مطالب پر مغز و سودمندی را از مظاهر اوضاع اجتماعی آن عصر در کتاب عرضه داشته است، بخصوص در آیین ملک داری و نیز برخی از مسائل دنیای سیاست در آن روزگار.

قابوسنامه نیز پر از حکمت و اندرز است که پرورش فرزندش و آموزش دادن به آن هدف قرار داده است بهار در این مورد چنین میگوید: ((از نظر نوع ادبی، قابوسنامه نمودی کامل ادب تعلیمی است که آن شیوه ی حکمت عملی سخن رفته است))^(۱۸).

کتاب (قابوسنامه) یا (نصیحت نامه)، بسیاری از پند و اندرزها و حکمت و اخلاق و معاملات روز مره و سیاسی را در بر گرفت که عنصر المعالی بن و شمشگیر سعی کرد تا فرزندش (گیلان شاه) از آن بهره گیرد و در مقابله با دشواریهای روبرو نماید.

مبحث سوم

آرا و دیدگاههای سیاسی عنصر المعالی

بررسی بابهای مختلف قابوسنامه حاکی از ژرف بینی و نکته سنجی نویسنده در خصوص ماهیت قدرت و سیاست است. وی با رویکردی روان و جامعه شناختی به رفتار شنسی اربابان قدرت و بادیدگران عرصه سیاست و ملک میپردازد و در آن آموزه های عقلانیت و خردگرایی و واقع بینی و تقدم مصلحت سیاسی بر سایر امور، نقش

(۱۷) همان منبع، ص ۲۱.

(۱۸) نفیسی، سعید: قابوسنامه، کتاب فروشی فروغی، چاپ دوم، ص ۲۲.

بنیادین عدل و عدالت در سامان اجتماعی و استمرار حمومت، نقش محوری مردم در سیاست، نقش نیروهای مسلح در حکومت، نخبه گرایی و شایسته سالاری، مشارکت دادن و به کارگیری نخبگان سیاسی در امور اجتماعی و سیاسی و دادن مجال فعالیت به آنها، تاکید بر عمران و آبادانی و اعتدال در دشمن و دوستی به شکل بسیار زیبا و جذابی مشهود است. این تعالیم را میتوان در فصلهای بیستم (اندر آیین حرب و کارزار کردن)، بیست و نهم (اندیشه کردن از دشمن)، سی و هفتم (اندر آداب خدمت کردن پادشاهان)، جهلم (اندر شرایط وزیری پادشاه)، چهل و یکم (اندر سهم سپهسالاری) و چهل و دوم (اندر آیین و شروط پادشاهی) مشاهده کرد.

برای تبیین دیدگاههای سیاسی و اجتماعی عنصر المعالی، موضوعات سیاسی و اجتماعی در موارد زیر در این جا تجزیه و تحلیل شده است:

آ. ویژگیهای فردی حاکم

پارسایی و خویشتن داری، که از ویژگیهای اساسی فردی برای حاکمان سیاسی به شمار میرود. "بدان ای پسر که اگر پادشاه باشی، پارسا باش و چشم و دل از حرم مردمان دور دار و پاک شلوار باش که پاک شلواری پاک دینی است، ولی در هر کاری رای را فرمان بردار خود کن"^(۱۹).

عادل بودن و خردمندی، که بی شک نقشی اساسی در موفقیت حکمرانان در عرصه سیاست دارد: "هر کاری را که بخواهی کرد با خرد مشورت کن که وزیر پادشاهی خرد است"^(۲۰). عاقبت اندیشی و پرهیز از عجله در تصمیمات: شتاب و عجله نشان از خامی و ناپختگی است و میتواند بازتابهای جبران ناپذیری در پی داشته باشد: "وتا روی درنگ بینی شتاب زدگی مکن و به هر کاری که در خواهی شدن نخست شمار بیرون آمدن آن برگیر و تا آخر نبینی به اول مبین"^(۲۱).

راستگویی و کم سخنی: صداقت بازیگران سیاسی نقش سازنده در دامنه نفوذ اجتماعی و سیاسی آنان در اجتماع دارد: "همیشه راستگوی باش ولیکن کم گوی و کم خنده باش تا کهتران تو بر تو دلیر نگردند که گفته اند: بدترین کاری پادشاه را دلیری رعیت و نافرمانی حاشیت باشد"^(۲۲).

ب. روش شناسی رفتار با مردم

مدار کردن با مردم و پرهیز از ظلم و تلاش برای استقرار عدل و عدالت:

در همه کاری مدارا نگاهدار و هر کاری را که به مدارا برآید جز به مدارا پیش مبر، و بیداد پسند میاش و همه کارها و سخنها را به چشم داد بین، تا در همه کارها حق و باطل بتوان دید که چون پادشاه چشم خردمندی گشاده ندارد طریق حق و باطل بر وی گشاده نشود^(۲۳).

(۱۹) آخرین تصحیح و چاپ قابوسنامه بدست دکتر غلام حسین یوسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۱۶۷.

(۲۰) همان منبع، ص ۱۶۷.

(۲۱) آخرین تصحیح و چاپ قابوسنامه بدست دکتر غلام حسین یوسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۱۶۷.

(۲۲) همان منبع، ص ۱۶۷.

(۲۳) همان منبع، ص ۱۷۱.

از دیدگاه عنصر المعالی، عدالت باید رکن اساسی و محوری سیاست و حکومت قلمداد گردد:

و نیز رعیت به عدل توان داشت و رعیت از عدل آبادان باشد که دخل از رعیت حاصل میشود؛ پیش بیدار را در مملکت راه مده که خانه ملکان از داد بر جای باشد و قدیم گردد و خانه پیدادگر از زود نیست شود از بهر آنک داد آبادانی بود و بیداد ویرانی، و آبادانی که بر داد بود بماند ویرانی به بینائی زود ویران شود؛ چنانک حکما گفته اند: چشمه خرمی عالم، پادشاه عادل است و چشمه دژمی پادشاه ظالم است^(۲۴).
رحیم لودن بر مردم و رحم نکردن بر ظالمان و ستمگران: رأفت و رحمت بر مردم و سختگیری بر قانون شکنان و متجاوزان به حقوق فردی و اجتماعی و مجازات آنان از رفتارهای بسیار مهم و راهبردی حکومت‌های خوب و شایسته به شمار میرود: "و بر خلقان حق تعالی رحیم باش، اما بر بی رحمان رحمت نکن و بخشایش هادت مکن"^(۲۵).
همچنین "... بر زدن رحمت مکن و عفو کردن خونی روا مدار که اگر مستحق خون نباشد تو نیز به قیامت گرفتار باشی"^(۲۶). "همیشه در کاری که باشی از طریق مردمی باز نگرد"^(۲۷).

رعایت اعتدال در ملاقات با مردم وزیر دستان: عنصر المعالی نیک میداند حضور فراوان حاکم و سلطان در بین مردم و دسترسی سریع همگان به وی به ویژه زیر دستان زمینه ای برای تنزل قدر و منزلت و ابهت وی خواهد گردید، از این رو توصیه میکند: "... و عزیز دیدار باش تا به چشم رعیت و لشگری خوار نگردی"^(۲۸).
در عین حال تاکید میکند: "و بر درد بندگان خداوند تعالی صبور مباش و پیوسته خلوت دوست مدار که چون تو از لشکر و مردم نفور باشی لشکر از تو نفور گردند" یعنی خود را کاملاً جدا از مردم و لشکر مگران که زمینه ساز جدایی آنان از تو خواهد شد^(۲۹).

ج. رفتار حاکم با وزیر

چگونی رفتار پادشاه با وزیر و خویشان او: در خصوص رفتار با وزیر مینویسد: به سیاست باش خاصه با وزیر خویش؛... هر سخنی که وزیر بگوید در باب کسی و طریقی که نماید، بشنو، اما در وقت اجابت مکن، بگوی که تا بنگرم به آن گاه چنانک باید بفرمایم. بعد از آن تفحص آن کار بفرمای کردن، تا در آن کار اصلاح تو میجوید یا نفع خویش، چون معلوم کردی، آن گاه چنانک صواب بینی جواب میده تا آن را زبون رأی خویش نداند، هر کس را وزارت دادی لورا تمکین تمام کن تا کارها و شغل و مملکت تو فرو بسته نماند^(۳۰).

(۲۴) همان منبع، ص ۱۶۷.

(۲۵) همان منبع، ص ۱۶۸.

(۲۶) آخرین تصحیح و چاپ قابوسنامه بدست دکتر غلام حسین وسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۱۶۸.

(۲۷) همان، ص ۱۰۶.

(۲۸) همان، ص ۱۶۷.

(۲۹) همان، ص ۱۷۱.

(۳۰) همان، ص ۱۶۸.

عنصر المعالی با فراست هشدار میدهد که نزدیکان و خویشان وزیر نباید در مناصب سیاسی به کار گرفته شوند، چه این که وزیر از آنان حسرتب کشی نخواهد کرد و در عین حال تاکید بر مهربانی و حسن رفتار با نزدیکان او را مورد عنایت قرار میدهد: و با او و پیوستگان او نیکوی کن. در معاش نائن و خوبی کردن تقصیر مکن، اما خویشان و پیوستگان وزیر را هیچ مفرمای، که یکباره پیه را به گربه نتوان سپرد که وی به هیچ حال حساب پیوستگان خویش به حق نکند و از بهر مال خویشان خود را نیازارد و نیز کسان وزیر به قوت وزیر صد بیدادی کنند بر مردمان که بیگانه از آن صد یکی نکند، وزیر کسان خویش امضا کند و از بیگانه نکند^(۳۱).

ویژگیهای ضروری برای وزیر: به اعتقاد عنصر المعالی، وزیر باید پخته و با تجربه باشد، چه پادشاه جوان باشد و چه پیر: و اگر پیر باشی یا جوان، وزیر پیر دار و جوان را وزارت مده، از آن که گفته اند در این باب، به جز سپهسالار لشکر مباد. اگر تو پیر باشی زشت باشد که جوان مدبر پیر باشد و اگر تو جوان باشی و وزیر جوان، آتش جوانی هر دو به هم یار شود و به هر دو آتش مملکت سوخته گردد^(۳۲).

هر بانی بر کارگزاران حکومت و دادن شغل به هر کدام برای مصون ماندن از آسیبهای آنان: اما بر چاکران خود به رحمت باش و ایشان را از بد نگهبان باش که خداوند چون شبان باشد و کهنتر چون رمه، اگر شبان بر رمه خویش بی رحمت بوده و ایشان را از سبای ننگه ندارد زود هلاک بشوند و هر کسی را قسطی پیدا کن و اعتماد بر آن مکن که به دیده کرده باشی، و هر کسی را شغلی فرمای و شغلی از ایشان باز مدار تا آن نفع که از شغل بیابند با قسط خویش مضاف کند و بی تقصیر ترینند و تو در باب ایشان بی اندیشه تر باشی^(۳۳).

شایسته سالاری در انتصابات: عنصر المعالی معیار تصدی مناصب را لیاقت و شایستگی و توانمندی قلمداد میکند و مینویسد: چون تو چاگری را شغلی دهی بنگر و شغل را به سز او را شغل ده و کسی که نه مستحق شغل باشد وی را مفرمای. چنانک کسی شراب داری را شاید، فراشی مفرمای و آنکه خزینه داری را شاید، حاجبی مده و هر کاری را به کسی نتوان داد که گفته اند: لکل عمل رجال^(۳۴).

به کار نگرفتن دو فرد در یک شغل و چون شغلی فرمایی دو تن را مفرمای تا خلل از آن شغل و غرمان تو دور که گفته اند: بدو کدبانو نا رفته ماند خانه به یکی شغل دو کس را مفرست از بی آنک^(۳۵).

منظور آنست که یک کار دو متولی نداشته باشد که نتیجه، بر زمین ماندن آن است. مغرور و فریفته نشدن به قدرت: غرور و فریفتگی به قدرت از آسیبهای مهم ملک و حکومت داری است و عنصر المعالی هشدار میدهد: اما جهد کن تا از شراب پادشاه مست نشوی و ذر شش خصلت تقصیر مکن و نگهدار: هیبت و داد و دهش و حفاظ

(۳۱) آخرین تصحیح و چاپ قابوسنامه بدست دکتر غلام حسین وسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۱۶۸.

(۳۲) همان، ص ۱۶۸.

(۳۳) همان، ص ۱۶۹.

(۳۴) همان، ص ۱۶۸.

(۳۵) همان، ص ۱۰۸.

واهستگی و راستگویی. اگر پادشاه از این شش خصالت یکی دور کند نزدیک شود به مستی پادشاهی و هر پادشاهی که از پادشاهی مست شود هشیاری او در رفتن پادشاهی بود، اندر پادشاهی غافل مباش^(۳۶).

اطلاع داشتن از واقعیتهای اجتماع و نظارت دقیق بر احوال زیر دستان به ویژه صدر اعظم و وزیر: پس باید که از حال لشکر و رعیت آگاه باشی و از حال مملکت خویش بی خبر نباشی، خاصه از حال وزیر خود و باید که وزیر تو آب بخورد تو بدانی، که خان و مان خود بدو سپرده، اگر از وی غافل باشی از خان و مان خود غافل بوده باشی، نه از کار و حال وزیر خویش^(۳۷).

در پادشاهی خویش مگذار که کسی فرمان تو را خوار دارد که تو را خوار داشته باشد که در پادشاهی و رعیت در فرمان دادن است و اگر صورت پادشاه با رعیت برابر است و فرق میان پادشاه و رعیت آن است که وی فرمان ده است و رعیت فرمان بردار^(۳۸).

در جای دیگری میگوید:

پس پادشاه که فرمان او روان نباشد، نه پادشاه باشد؛ همچنان که میان او و میان رعیت فرق است، میان فرمان او و فرمان دیگران فرق باید، که نظام ملک در روانی فرمان است و روانی فرمان به جز سیاست نباشد، پس در سیاست تقصیر نباید کرد تا امرها روان باشد و شغلها بی تقصیر^(۳۹).

بنابر این اجرا شدن دستورها نشانه نفوذ و اقتدار حکومت بوده و زمین ماندن آن نشانه عدم اقتدار آن است.

علو همت و داشتن برنامه های بزرگ:

واندر پادشاهی کارهای کارهای بزرگ کن؛ از بهر آنک پادشاه بزرگ از همه کس است باید که گفتار و کردار او بزرگ تر از همه کس باشد تا نام او بزرگ باشد.

د. سازمان دهی لشکر و رفتار با نظامیان

نیروهای مسلح از مهمترین ارکان ثبات و بایرداری حکومتها و ضامن آسایش و امنیت عمومی و اجتماعی هستند و کمیت و کیفیت آن نقش مهمی در بازدارندگی از دشمن خارجی و تامین منافع و امنیت ملی ایفا میکند. عنصر المعالی در باب "در آیین و رسم سپهسالاری" نکات نغز و آموزنده ای دارد که برای شرایط کنونی نظامهای سیاسی نیز قابل استفاده و مفید است.

انتخاب و استخدام لشکر و نظامیان از گروههای مختلف اجتماعی: اما لشکر از یک جنس مدار، که هر پادشاهی را که لشکر یک جنس باشد همیشه اسیر باشد و دایم زبون لشکر خویش باشد از هر آنک یک جنس متفق یکدیگر باشند و ایشان را به یکدیگر نتوان مالید، چون از هر جنس باشد این جنس را بدان جنس بمالید و آن جنس را بدین

(۳۶) آخرین تصحیح و چاپ قابوسنامه بدست دکتر غلام حسین وسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۱۷۲.

(۳۷) همان منبع، ص ۱۷۵.

(۳۸) همان منبع، ص ۱۶۹.

(۳۹) همان منبع، ص ۱۷۱.

جنس مالش دهند تا آن قوم از بیم این قوم و این قوم از بیم آن قوم بی طاعتی نتوان کرد و فرمان تو بر لشکر روان باشد^(۴۰).

مسلط نکردن نظامیان بر مردم و رعایت اعتدال: "و دیگر سپاه را نگاهدار و بر سر رعیت مسلط کن، و همچنان که مصلحت لشکر نگاهدار، مصلحت رعیت نیز نگاهدار، از بهر آنکه پادشاه چون آفتاب است نشاند بر یکی تابد و بر یکی نتابد"^(۴۱).
اکرام و عزیز داشتن نظامیان و رسیدگی به وضعیت آنان: عزت نیروهای مسلح و برخورداری از پایگاه و منزلت اجتماعی رفیع و سیر بودن چشم و دل آنان نقش مهم و تعیین کننده ای در سلامت و کما آمدی آنان ایفا میکنند: "و در نیکو داشتن لشکر و رعیت تقصیر مکن، آن تقصیر توفیر دشمنان باشد"^(۴۲).

ه. روشهای قضایی

طبیعی بودن ارتکاب جرم و گناه توسط انسان:

ای پسر، بدان و آگاه باش و به هر گناهی مردم را مستوجب عقوبت بدان و اگر کسی گناه کند از خویشتن در دل عذر بی گناه او بخواه که آدمی است و نخست گناه آدم کرد، چنانک من گویم:

صد راه دلم تو پشیمانی خورد
گر من روزی ز خدمتت گشتم فرد
من آدمی ام گناه نخست آدم کرد
جانا به یکی گناه از سبزه مگرد^(۴۳)

بیهوده عقوبت و مجازات نکردن و عصبانی نشدن: "... و بر خیره عقوبت مکن تا به گناه سزای عقوبت نگردی و به هر چیزی خشک مشو و در وقت خشم، ضجرت فرو خوردن عادت کن"^(۴۴).

مجازات بایستی متناسب با جرم و گناه باشد: "... اما اگر کسی گناهی کند که مستوجب عقوبت باشد حد عقوبت او نگر اندر خور گناه او عقوبت فرمای که خداوندان انصاف چنین گفته اند که: عقوبت سزای گناه باید کرد"^(۴۵).
پذیرش تقاضاهای عفو و بخشش مجرمان:

... و چون گناهی را از تو عفو خواهند، عفو کنی و عفو کردن بر خود واجب گردان، اگر چه گناهی سخت بوده که بنده اگر گناه کار نباشد عفو خداوند پیدا نیاید، چوم مکافات گناه کرده باشی آن گاه حلم تو چه باشد، و چون عفو کردن واجب دانی از شرف بزرگی خالی نباشی و چون عفو کردی او را سرزنش مکن و از آن گناه یاد مدار که آن گاه چنان باشد که عفو نکرده باشی^(۴۶).

(۴۰) آخرین تصحیح و چاپ قابوسنامه بدست دکتر غلام حسین وسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۱۷۵-۱۷۶.

(۴۱) همان منبع، ص ۱۷۲-۱۷۱.

(۴۲) همان منبع، ص ۱۷۱.

(۴۳) آخرین تصحیح و چاپ قابوسنامه بدست دکتر غلام حسین وسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۱۰۹.

(۴۴) همان منبع، ص ۱۷۱.

(۴۵) همان منبع، ص ۱۷۲.

(۴۶) همان منبع، ص ۱۷۵.

متناسب با شرایط سیاسی و بین المللی آن دوران، عنصر المعالی نکات شایان توجهی در باره روابط با همسایگان و سایر کشورها توصیه میکند که به هم آنها اشارت می‌رود: اصل عدم غفلت از همسایگان و اطلاع دقیق از وضعیت آنها: "...واندر پادشاهی غافل مباش از آگاه بودن احوال ملوک عالم چنین باید که هیچ پادشاهی نفس نزند که تو آگاه نباشی" (۴۷).

اصل روابط حسنه و دوستی مبتنی بر حزم و احتیاط با همسایگان: اعتدال و احتراز از افراط و تفریط و جوانمردی از جمله مفاهیم مورد تاکید قابوسنامه است: وبا پادشاهان عالم که همسران تو باشند اگر دوستی کنی نیم دوست مباش و اگر دشمنی کنی دشمن ظاهری باش و به آشکارا دشمنی توانی نمود با هم شکل خویش به نهان دشمن مکن.

وفاداری به معاهدات و پیمانها و قراردادها: ... و دیگر توقیع خویش را بزرگ دار و از بهر محتوایی توقیع مکن، مگر به صلتی بزرگ یا به ولایتی بزرگ یا به معاشی بزرگ که ببخشی، چون کردی توقیع خود را خلاف مکن الا به عذری واضح که خلاف از همه کس ناپسند باشد و از پادشاه زشتتر باشد.

ز. روشها و اصول تعامل، مقابله و کارزار با دشمن

توسعه طلبی و تزاحم منافع همراه از عوامل اساسی پیدایش منازعات و کشمکشها بوده است. عنصر المعالی دشمن را به دو گروه خانگی (داخلی) و بیرونی (خرجی) تقسیم کرده و خطر دشمن داخلی را اساسی تر قلمداد میکند:

و از این که گفتیم دشمن خویش را بسیار مکن و از دشمن به هیچ حال ایمن مباش، خاصه از دشمن خانگی و بیشتر از دشمن خانگی ترس که بیگانه از بد اندیشیدن تو خالی نباشد و بر احوال تو مطلع بوده و دشمن بیرونی آن نداند که وی داند؛ پس با هیچ دشمن دوستی یک دل مکن، دوستی مجازی منماید، مگر مجازی حقیقت گردد که از دشمنی دوستی بسیار خیزد و از دوستی نیز دشمنی، و آن دوستی و دشمنی که چنین بود سختتر باشد و نزدیکی با دشمنان از بیچارگی دان (۴۸).

عبارت اخیر عنصر المعالی بسیار حائز اهمیت است، بدین معنا که نزدیکی و ارتباط و دوستی بر قرار کردن با دشمنان نشانه ذلت و بیچارگی است.

اصل عدم تخاصم و دشمن پروری: اما جهد کن تا دشمن نیندوزی، پس اگر دشمنت باشد مترس و دل‌تنگ مشو که هر که را دشمن نبود دشمن کام بود (۴۹).

و جهد کن تا دوستان تو اضعاف دشمنان باشند و بسیار دوست کم دشمن باشد و به امید هزار دوست یکی دشمن مکن و بدان که آن هزار دوست از نگاه داشتن تو غافل باشند و آن یک دشمن از نگاه داشت تو غافل نباشد (۵۰).

(۴۷) همان منبع، ص ۱۶۹.

(۴۸) آخرین تصحیح و چاپ قابوسنامه بدست دکتر غلام حسین وسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۱۷۶.

(۴۹) همان منبع، ص ۱۰۵.

(۵۰) همان منبع، ص ۱۰۳.

اصل عدم فلت از توطئه ها و برنامہهای دشمن: اطلاع از دشمن و برنامہهای از نقشی مؤثر در امنیت اجتماع ایفا میکند. در این باره عنصر المعالی تاکید میکند: "ولیکن در نهان و اشکار از کار دشمن غافل میباش و از بد کردن او میاساس، دایم در تدبیر و مکر او باش و هیچ وقت از حیلہ او ایمن مباش" (۵۱).

اصل راز داری و حفاظت اطلاعات: "بواز حال وی خود را روی پوشیده، همی دار تا در بلا و آفت و غفلت بر خود بسته باشی" (۵۲).

اصل اقتدار و پوشانیدن ضعفها در مقابل دشمن: "و خویشان را به دشمن چنان نمای که اگر چه افتاده باشی با وی خویشان را از افتادگان منمای" (۵۳).

فریب مجاملات و تعارفهای دشمن را نخوردن: "اما نه گفتار خوش، دل در دشمن مبنده، اگر از دشمن شکری یابی آن را شرنگی شناس.

دشمن در شمر تیغ دو کش زخم بوزن
عضوی ز تو گر دوست شود با
دشمن" (۵۴).

اصل خوار و خفیف نشمردن دشمن: "... و از دشمن قوی خیمه بر نا ایمنی باش و ترسان که از دو کس باید ترسید: یکی از دشمن قوی و دیگر از یار غدار، و دشمن خود را خوار مدار و با دشمن ضعیف چنین دشمنی کن که با دشمن قوی و مگو که او خود کیست و که باشد" (۵۵).

تبلیغ نکردن کوچکی و خواری دشمن پس از پیروزی بر آن:

... اما با هر کسی که دشمنی کنی، چون بر وی چیره شوی پیوسته آن دشمن خود را منکوه و به عاجزی به مردم منمای، آن گاه بس تو را فخری نباشد که بر عاجزی و نکوهیه چیره شده باشی و اگر العیاذ بالله او بر تو چیره شود وقتی تو را عیب و عار عظیم باشد که از عاجزی و نکوهیده افتاده باشی" (۵۶).

سستی نکردن در کارزار با دشمن و ضرورت دلیری و شجاعت:

... ای پسر، چون در کارزار باشی، آن جا درنگ و سستی شرط نیست چنانک پیش از آنک خصم بر تو شام خورد تو بر وی چاشت خورده باشی" (۵۷).
در جای دیگر مینویسد:

... بدان که هر که روزی بزاید روزی بمیرد چه جانور سه نوع است: ناطق حی، ناطق میت، حی میت، یعنی فرشتگان و آدمیان و وحوش و طیور، و در کتابی خوانده ام از آن پارسیان به خط پهلوی که زردشت را گفتند جانور چند نوع است؟ هم بر این گونه جواب داد، گفت: زبانی گویا و زبانی میرا و زبانی میرا. پس معلوم شد که همه زنده بمیرد و کسی پیش از اجل نمیرد. پس کارزار از اعتقاد باید کردن و کوشا لودن تا

(۵۱) آخرین تصحیح و چاپ قابوسنامه بدست دکتر غلام حسین وسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۱۰۵.

(۵۲) همان منبع، ص ۱۰۳.

(۵۳) همان منبع، ص ۱۰۳.

(۵۴) همان منبع، ص ۱۰۳.

(۵۵) همان منبع، ص ۱۰۳.

(۵۶) همان منبع، ص ۱۰۳.

(۵۷) همان منبع، ص ۱۰۳.

نام و نان حاصل آید. در حدیث مرگ و مردن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام گوید: "مت یوم الذی ولدت، من آن روز مردم که بزادم" (۵۸).
برهیز از خون ریزی به نا حق:

... اما به خون نا حق دلیر مباش و خون هیچ مسلمان حلال مدار الاخوان
صلوکان و دزدان و نباشان و خو کسی که در شریعت خون وی در ریختن واجب
شود (۵۹).

پذیرش تقاضای صلح و امان دادن برای دشمن:
.. و اگر دشمنی از تو زنهار خواهد اگر چه سخت دشمن باشد و با تو بدکردار
بود او را زینهار ده و آن را غنیمتی بزرگ دان (۶۰).

نتیجه گیری :

۱. ریشه‌های پیدایش سیاستنامه نویسی به ایران باستان و به ویژه دوره ساسانیان باز میگردد. سیاستنامه نویسان را شاید بتوان با مقداری مسامحه به دو گروه تقسیم کرد: گروهی که وظیفه اصلی آنان دبیری، منشی گری، و نویسندگی در بار فرمانروایان و پادشاهان بود و خود به طور مستقیم مسؤولیت سیاسی نداشتند.
 ۲. عده ای که مستقیماً در حوزه سیاست و قدرت مسؤولیت داشتند. فرهنگ رجایی در کتاب معرکه جهان بینیها، سیاستنامه و پندنامها را به سه گروه متفاوت تقسیم کرده است: آثاری که نویسندگان در آنها برای رسیدن به هدف خود اخلاق نویسی را پیشه خود ساخته اند مانند گلستان سعدی، یا دستور نویسی را برای بیان مقصود مناسبتر ناسته اند مانند سیاستنامه خواجه نظام الملک، یا از سیره نویسی برای دست یابی به هدف خود سود جسته اند مانند کارنامه اردشیر بابکان.
- در اندر زنامها و سیاستنامهها داستانهای تاریخی و تجربیها و مشاهدات عینی نویسنده و حتی داستانها و حکایاتی از زبان حیوانات بیان میشود. نصیحت دلسوزانه و پندها روشن حکمت آمیز و بیان فرجام گذشتگان از پادشاهان و صاحبان قدرت و شوکت در قالب جمله‌های روان و بلیغ نمودی عینی از این سبک است.
- امعان نظر در عناوین سر فصلهای قابوسنامه بیانگر این نکته است که عنصر المعالی با حسن فراست و تیز بینی ویژه ای ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی انسان را مورد عنایت قرار داده و متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عصر خویش توصیه‌هایی کاربردی برای فرزندش ارائه کرده است که در آنها اعتدال و عقلانیت مشهود است.

(۵۸) آخرین تصحیح و چاپ قابوسنامه بدست دکتر غلام حسین وسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۱۰۴.

(۵۹) همان منبع، ص ۶۹.

(۶۰) همان منبع، ص ۷۰.

الحکم فی قابوسنامه

م. طی حاتم جاسم

الملخص

تعد رائعة الأخلاق والموعظة والأدب "قابوسنامه" لمؤلفها عنصر المعالي كيكافوس، من جملة الروائع العرفانية والأخلاقية والأدبية الأخرى التي يحفل بها التراث الأدبي في بلاد إيران.

فمؤلف الكتاب ينتمي إلى عائلة جل أفرادها من الأمراء والحكام والملوك وكان يعيش في عصر كان فيه للعلم والثقافة منزلة سامية، وجعل أبو المعالي كتابه قابوسنامه في أربعة وأربعين باباً، ضمنها جميع العلوم في عصره، وفي الحقيقة فأن الكتاب يمثل مرآة للآداب الاجتماعية، والحضارة في إيران في القرن التاسع الهجري، حيث تناول البحث الموسوم "حکفرمائی در قابوسنامه" ثلاثة محاور، تضمن البحث الأول أسلوب النشر في قابوسنامه، أما المحور الثاني فتعلق بحياة مؤلف الكتاب، أما المحور الأخير فتعلق بالحديث عن قابوسنامه طبقاً لأفكار مؤلف الكتاب.